

## "Kharijite Disruption of Imam Ali's Rule: Contexts and Consequences"

Maryam Saeedyan Jazi\*

### Abstract

This study aims to thoroughly examine the role of the Kharijites in weakening and overthrowing the government of Imam Ali (peace be upon him) while revisiting the roots and consequences of this conflict. It addresses a significant gap in historical-political research concerning one of Islam's most contentious periods. Despite the importance of this subject, existing literature has largely offered one-dimensional or general analyses and has not comprehensively or multidimensionally elucidated the Kharijites' position in the process of undermining Imam Ali's authority. Utilizing a descriptive-analytical method and extensive library research on primary Islamic sources and contemporary studies, this research critically reevaluates diverse perspectives. Findings indicate that the Kharijite movement, by promoting takfiri ideology and extremist approaches, significantly intensified insecurity and division within the Islamic community. They played a key role in creating conditions conducive to the eventual destabilization of Imam Ali's governance. Their violent actions, opposition to legitimate leadership, and alliance with political adversaries expanded the scope of political and doctrinal conflict. Nevertheless, Imam Ali's resolute leadership and the community's vigilance prevented the full realization of the Kharijites' aims. By precisely framing the issue and exploring its multifaceted dimensions, this research contributes a deeper and more substantiated understanding of the Kharijites' impact on Islamic political history.

**Keywords:** Imam Ali (AS), Rule, Kharijites, Violence, Mecca, Martyrdom.

\* Associate Professor, Department of Islamic Studies, Faculty of Theology and Studies of Ahlul Bayt (peace be upon them), University of Isfahan, Isfahan, Iran, [msaeedyan@ltr.ui.ac.ir](mailto:msaeedyan@ltr.ui.ac.ir)

Date received: 03/05/2024, Date of acceptance: 01/08/2024





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## نقش خوارج در تضعیف حکومت امام علی (ع): بازخوانی زمینه‌ها و پیامدها

مریم سعیدیان جزئی\*

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش خوارج در تضعیف حکومت امام علی (ع)، به بازخوانی ریشه‌ها و پیامدهای این تقابل و مواجهه امام علی (ع) و بازنگری انتقادی دیدگاه‌های مختلف موجود در مطالعات تاریخی-سیاسی مرتبط با دوره حکومت امام علی (ع) پرداخته و درصدد ارائه تحلیلی مستند و عمیق‌تر از جایگاه این جریان در تاریخ سیاسی اسلام است. این مطالعه گامی مؤثر در رفع خلأهای موجود در پژوهش‌های تاریخی-سیاسی مرتبط با یکی از دوره‌های حساس و پرچالش تاریخ اسلام به‌شمار می‌آید. با وجود اهمیت موضوع، پیشینه پژوهشی غالباً محدود به تحلیل‌های سطحی و تک‌بعدی بوده و جایگاه خوارج در فرآیند تضعیف حکومت امام علی (ع) به‌صورت جامع و چندسویه تبیین نشده است. در این پژوهش با بهره‌گیری از روش مطالعه تطبیقی و نقد تاریخی و با اتکا به منابع اسلامی و پژوهش‌های معاصر تلاش شده است تا موضوع از ابعاد مختلف بازخوانی و ارزیابی شود. یافته‌ها نشان می‌دهند که جریان خوارج با گسترش اندیشه‌های تکفیری و رویکردهای قشری‌گرایانه، نقش مؤثری در تشدید ناامنی و افزایش تفرقه در جامعه اسلامی ایفا کرده و به عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار در تضعیف ساختار حکومت امام علی (ع) مطرح بوده‌اند. اقدامات خشونت‌آمیز این گروه در مخالفت با رهبری مشروع و همسویی با مخالفان سیاسی، عرصه تقابل سیاسی، اعتقادی و نظامی را گسترش داده است. با این حال قاطعیت و آینده‌نگری امام علی (ع) و هوشیاری مسلمانان، مانع گسترش خوارج، ایجاد تنش‌های داخلی و سلطه قدرت مخالفان آن حضرت گردید.

**کلیدواژه‌ها:** امام علی (ع)، حکومت، خوارج، خشونت، مکه، شهادت.

\* دانشجویار گروه معارف اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اهل بیت علیهم السلام، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران،  
msaeedyan@ltr.ui.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۱۴، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۱۱



## ۱. مقدمه

خوارج از جمله گروه‌هایی بودند که همزمان با دوران حکومت امام علی (ع) پدیدار شدند. خوارج به دلیل روحیه افراطی و خشونت، مورد پسند مسلمانان نبودند و سبب ناامنی، فساد و هرج و مرج طلبی در قلمرو اسلامی شده و یکی از عوامل موثر در تضعیف حکومت امام علی (ع) بودند. خوارج تنها به شورش نظامی بسنده نکردند. بلکه مجموعه‌ای از اقدامات سیاسی، اجتماعی، اعتقادی و تبلیغی را در دوران حکومت امام علی (ع) دنبال می‌کردند که از آن جمله عبارتند از: اختلاف در تفسیر حکمیت، ایجاد پایگاه حروراء، شورش‌های پی‌در پی، قتل و غارت، تهدید امنیت اجتماعی، نبرد نهروان و مشارکت در توطئه شهادت امام علی (ع). راهبرد امام علی (ع) در مواجهه با خوارج، صرفاً امنیتی و نظامی نبود، بلکه ناظر به تمایز معرفتی، اخلاقی و فقهی میان آنان و دشمنان آگاه به باطل چون معاویه بود. در بررسی مواضع امام علی (ع) نسبت به خوارج، یکی از مهم‌ترین فرازهای تاریخی مربوط به خطبه ۶۱ و دستور ایشان مبنی بر عدم جنگ با خوارج پس از شهادت آن حضرت است. این راهبرد که برگرفته از آموزه‌های شریعت و حیانی اسلام و سنت رسول الله (ص) است نه صرفاً به عنوان یک واکنش سیاسی، بلکه تحلیلی از انگیزه‌های درونی، زمینه‌های بیرونی و مرزهای مسئولیت اخلاقی و شرعی و سیاسی امام در مواجهه با مخالفان است که در سیره سیاسی، نظامی و اجتماعی آن حضرت تبلور یافته است.

مفهوم "خوارج" در این پژوهش به گروهی اشاره دارد که در دوران امام علی (ع) به دلیل اختلافات سیاسی - مذهبی از ایشان جدا شده و به انشقاق و مخالفت سیاسی و نظامی پرداختند. این تعریف بر پایه دیدگاه امام علی (ع) در نهج البلاغه و برخی منابع دیگر مانند الملل و النحل شهرستانی، انساب الاشراف بلاذری و تاریخ طبری تنظیم شده است (شریف الرضی ۱۳۸۸: خطبه‌های ۷۴ و ۱۹۲؛ شهرستانی ۱۳۶۴: ۱/۱۱۵؛ بلاذری ۱۴۱۷: ج ۲/۴۹۵؛ طبری ۱۴۲۲: ۵/۱۲۲-۱۲۹).

همچنین به منظور روشن نمودن چارچوب مفهومی پژوهش، تمایز میان "خلافت" و "حکومت" مورد توجه قرار گرفته است. خلافت در متون روایی و کلامی، به عنوان مقام و منصب دینی-سیاسی با مشروعیت دینی تعریف شده است که ناظر بر نیابت از پیامبر (ص) در امر هدایت و اداره امت اسلامی است (کنانی ۱۳۸۲: ۱/۷۹؛ تفتازانی ۱۴۰۱: ۲/۲۷۲). در مقابل، حکومت به معنای اداره عملی امور سیاسی و اجتماعی است که می‌تواند به صورت خلافت یا اشکال دیگر انجام گیرد (Böwering, 2013: 7-15). امام علی (ع) حکومت را ابزاری برای تحقق

نقش خوارج در تضعیف حکومت امام علی(ع): ... (مریم سعیدیان جزی) ۲۵۳

عدالت و اصلاح جامعه و هدف از آن را آشکار نمودن نشانه‌های دین، اجرای حدود الهی و اصلاح بلاد می‌دانستند (شریف الرضی ۱۳۸۸: خطبه ۳ و ۱۳۳). بر این اساس اقدامات سیاسی و نظامی خوارج به منظور سلب مشروعیت و نفوذ سیاسی-دینی حاکم مشروع از طریق ابزارهای غیر قانونی یا غیر مشروع تلقی می‌شود (ابوحیب ۱۴۰۸: ۴۰)، امری که می‌تواند به فروپاشی یا اختلال در نظام حکومتی منجر گردد. علاوه بر این مفهوم "خوانش مجدد"، به عنوان رویکردی علمی و نقادانه تعریف شده که فراتر از بازنویسی صرف با هدف تحلیل چند بعدی و ارزیابی انتقادی گزارش‌های تاریخی و دیدگاه‌های مرتبط با نقش خوارج در تضعیف حکومت امام علی (ع) ارایه شده است.

این پژوهش در راستای بررسی مسئله نقش خوارج در تضعیف موقعیت امام علی(ع) به بازخوانی دلایل مرتبط با نقش آفرینی خوارج در تضعیف ساختار حکومت امام علی (ع)، مواجهه آن حضرت و زمینه‌ها و پیامدهای آن می‌پردازد.

پیشینه پژوهش حاضر پیرامون نقش خوارج در تضعیف حکومت امام علی (ع) شامل دیدگاه‌های مختلفی است که نشان‌دهنده پیچیدگی و تنوع در تحلیل نقش خوارج در این برهه از تاریخ اسلام است. این دیدگاه‌ها را می‌توان در ۳ دسته، طبقه‌بندی کرد:

۱. دیدگاه تایید کننده نقش خوارج: گروهی بر پایه منابع متقدم تاریخی مانند بلاذری (۱۴۱۷) و طبری (۱۴۲۲)، بر نقش خوارج به عنوان یکی از عوامل مهم در تضعیف انسجام سیاسی و ایجاد اختلافات داخلی حکومت امام علی (ع) تاکید می‌کنند و معتقدند خوارج با ایجاد تفرقه و شورش‌های نظامی به‌ویژه در جنگ نهروان، موجب تضعیف مشروعیت سیاسی امام علی(ع) شدند. از نظر این گروه اقدام خوارج در مخالفت با حکمیت و سر دادن شعار «لا حکم الا لله» به‌نوعی مشروعیت‌زدایی از حکومت امام علی (ع) انجامید و موجب تقسیم قلمرو و ضعف در میان نیروهای امام شدند.

۲. دیدگاه مشروط کننده نقش خوارج: برخی همانند شهید مطهری (۱۴۰۲ش)، عسکری (۱۹۹۰) و محمودی (۱۳۷۵) بر این عقیده اند که خوارج با تحریف آموزه‌های دینی و ایجاد بحران‌های سیاسی در تضعیف حکومت امام علی (ع) نقش داشتند اما بازتاب آن مشروط به اقدام امام علی (ع) بود. براساس این دیدگاه، امام علی (ع) با رویکردی مدبرانه تلاش کرد تا با هدایت و گفتگو، خوارج را از انحراف بازدارد و سپس به اقدامات قاطعانه روی آورد. این گروه ضمن پذیرش تأثیر خوارج و نقش مشروط آن‌ها،

چالش‌های دوران حکومت امام علی (ع) را نتیجه تعامل عوامل مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی دانستند.

۳. دیدگاه مبتنی بر نفی یا تردید نقش خوارج: برخی مانند سلیمان بن داوود (۱۴۰۳ق)، از رهبران اباضی معاصر، با این تحلیل که خوارج از اصحاب امام علی (ع) بودند، نقش آنها را در تضعیف حکومت امام علی (ع) انکار می‌کند. محمد جواد مغنیه (۱۳۵۸) با تکیه بر تحلیل‌های سیاسی و دیدگاه‌های برخی معاصران، نقش خوارج در تضعیف حکومت امام علی (ع) کم‌اهمیت یا غیرمحموری می‌داند (نمونه: ۲۵۱/۱-۲۵۳ و ۳۱۳؛ ۲۳۵/۲). این گروه معتقدند خوارج، ساختار محدود و ضعیفی داشتند و از توانایی لازم و قابل توجهی برای تغییر ساختارهای قدرت یا تضعیف آن برخوردار نیستند. همچنین بر این باورند که عوامل متعدد دیگری مانند اختلافات قبیله‌ای و رقابت‌های سیاسی - که محور مسائل اجتماعی و سیاسی قرن نخست هجری است - در تضعیف حکومت امام علی (ع) نقش اساسی‌تر داشتند.

این دیدگاه در برخی مطالعات غربی هم بازتاب داشته است. ویل دورانت (Durant, 1950)، مونتگمری وات (Watt, 1956)، دونر (Donner, 1998)، پاتریشا کرون (Crone, 2004)، کندی (Kenney, 2006)، بوورینگ (Böwering, 2013)، استیوان و همکاران (setiyawan, 2020) به نقش خوارج اشاره کردند اما موقعیت و اثرگذاری آنها را در بستر شرایط کلی سیاسی-اجتماعی ارزیابی می‌کنند. در دیدگاه سوم، اگرچه درباره نقش خوارج همسوی نسبی دیده می‌شود اما تحلیل‌ها، گرایش‌های اعتقادی، زمینه‌های فرهنگی، منابع و رویکردهای علمی افرادی که در آن قرار گرفتند، دارای تفاوت‌های معناداری است.

با توجه به این امر دیدگاه دوم، براساس مستندات تاریخی و تطبیقی بیشتر قابل پذیرش و منطقی به نظر می‌رسد. این دیدگاه تعامل پیچیده عوامل مختلف و واکنش امام علی (ع) را به درستی تبیین می‌کند.

علاوه بر این در بین تحقیقات معاصر که به این موضوع توجهی داشته‌اند، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

در حوزه شناخت خوارج، خاستگاه و جایگاه آن در فرقه‌های اسلامی: عیسی‌زاده (۱۳۸۴) در تحقیق خود زمینه‌های پیدایش و عقاید خوارج را مورد توجه قرار می‌دهد. ابویحیی (Abu Yahya 2011) اندیشه‌های متفکران اسلامی درباره آراء خوارج را تجمیع و این گروه را از

طیف گروه‌های اسلامی جدا کرده است. صالح (Saleh 2018) سیر تطور فکری خوارج و تمایل آنها به فرقه‌سازی و تجزیه‌طلبی را مورد بررسی قرار می‌دهد.

در حوزه کنش امام علی(ع) و خوارج: دیدگاه سلیمان بن داوود (۱۴۰۳) درباره انکار نقش خوارج در شهادت امام علی(ع) را برخی افراد استناد کرده‌اند. بن باز، مفتی سعودی، در بخشی از کتاب "مجموع فتاوی و مقالات متنوعه" (۱۴۱۴) به نقد دیدگاه ابن داوود پرداخته و انکار خوارج و منتسب نمودن آنها به یاران علی(ع) را نشانه شک در حقایق می‌داند. یکی از تحقیقات قابل توجه در این زمینه مربوط به جعفر مرتضی‌عاملی (۱۴۲۳) است که در دو جلد به سبک پرسش و پاسخ به مبانی کلامی-تاریخی تقابل امام علی(ع) و خوارج پرداخته است. عباسی (۱۳۹۹) تحول فکری و رفتاری خوارج از خود به دیگری را در چهار مرحله از دوران امام علی(ع) مورد بررسی قرار می‌دهد. همچنین محمود اسماعیل (۱۹۷۳) در تحقیقی آراء خوارج پیرامون قضیه تحکیم را با شیوه کلامی-تاریخی ارائه و نقد می‌کند. در ارتباط با پیامدهای ناشی از حضور خوارج در دوران حکومت امام علی(ع): صلواتی (۱۳۷۱) جمود و خشونت را از ویژگی‌های مهم خوارج دانسته و بر تأثیر پذیری این گروه از معاویه و جریان‌های الحادی تأکید می‌کند. در تحقیق گل مکانی و وکیلی (۱۳۹۶) برخی از پیامدهای اقتصادی ناشی از شورش‌های خوارج بحث شده است.

پژوهش حاضر با رویکردی جامع‌تر و روشمند و با بهره‌گیری از مستندات تاریخی، مطالعه تطبیقی و انتقادی و براساس هدف تحقیق تاریخی تلاش می‌کند به بازسازی گذشته در زمینه فرضیه‌ای بپردازد که در زمان حال تدوین می‌شود. از این رو با ارزیابی دقیق وقایع، تعامل امام علی(ع) با خوارج، بازخوانی زمینه‌های تاریخی و فرهنگی و تأثیرات متقابل آن، نقش خوارج را به عنوان یکی از عوامل مهم و مؤثر در تضعیف حکومت امام علی(ع) تحلیل می‌نماید.

پرسش این است که نقش خوارج در تضعیف حکومت امام علی(ع) و مواجهه آن حضرت چگونه بود؟ چه دلایل و پیامدهایی داشت؟ بر این اساس گزارش‌ها و تحلیل‌های موجود در متون اسلامی و تحقیقات معاصر مورد بررسی قرار گرفت. متون تاریخی، حدیثی، رجالی و انساب و کتب طبقات، از مهم‌ترین آثار در این زمینه هستند. نویسندگان دیگر هم مطالبی هرچند پراکنده و کوتاه داشته‌اند که به تناسب مورد استفاده قرار گرفته است. با این حال گزاره‌هایی که حاکی از گسست نسبی تاریخی هستند، تنها می‌توانند مقدمات فرایند گذار و انتقال را فراهم کنند و نباید آن‌ها را به عنوان موید وضعیت انتقالی کامل و قطعی در نظر گرفت. برای حل این مسئله اطلاعات مرتبط از متون تاریخی-اسلامی استخراج و مورد ارزیابی تطبیقی

و محتوایی قرار گرفت و ساختار پژوهش بر اساس هدف و مسئله اصلی در چهار محور کلی شامل: زمینه‌های تقابل خوارج، تبیین اقدامات خوارج (اعم از اقدامات سیاسی، اجتماعی، اعتقادی و تبلیغی و نقش آن‌ها در تضعیف ساختار حکومت و مشارکت در طرح ترور)، پیامدهای آن و راهبردهای امام علی (ع)، تنظیم و ارائه گردید.

این پژوهش در قالب تحلیل چند بعدی به دنبال ارائه تصویری جامع‌تر و مستندتر است تا خلأهای پژوهشی پیشین را پر کرده و تلاش می‌کند که سهم نسبی خوارج را به عنوان یکی از عوامل مؤثر و در مقایسه با سایر عوامل به گونه‌ای شفاف و مستند استخراج نماید و می‌تواند به عنوان مبنایی علمی و معتبر در مطالعات تاریخ اسلام در قرن نخست هجری مورد استفاده قرار گیرد.

## ۲. زمینه‌های تقابل خوارج با امام علی (ع)

تحلیل تاریخی مواضع امام علی (ع) و خوارج برگرفته از مبانی فکری و نحوه مواجهه آنها با آموزه‌های دینی و کاربست آن در حوزه‌های اجتماعی و سیاسی است. چرا که گزارش‌های مربوط به بخش‌های مختلف یک مجموعه می‌تواند در مقام علت و یا در مقام تابع و اطلاعات در کل سیستم مؤثر واقع شود. بر این اساس محورهای فکری خوارج و امام علی (ع) مورد بررسی قرار گرفت. با این حال، با توجه به ماهیت پراکنده و محدود بودن این‌گونه گزارش‌ها، نمی‌توان آن‌ها را بازتاب‌دهنده کامل و فراگیر وضعیت فکری هر دو گروه دانست.

در این مبحث جایگاه خوارج در خودآگاه معرفتی و تاریخی مسلمانان، علل واگرایی دو سویه مسلمانان و رویکرد امام علی (ع) نسبت به خوارج در این حوزه‌ها، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### ۱.۲ واگرایی عمومی درباره خوارج

یکی از محورهای مهم در خصوص جایگاه امام علی (ع) و شناخت گروه‌های معارض ایشان و از جمله خوارج، حدیث نبوی است که بسیاری از صحابه آن را نقل و عموم رجال عامه و شیعه صحیح دانسته‌اند (بخاری ۱۴۰۷: ج ۲۵۴۰/۶، ابن حنبل [بی‌تا]: ج ۶۷/۴، عسکری ۱۹۹۰: ج ۶۷/۱، ابن تیمیه برخلاف دیگران این حدیث را ضعیف می‌داند: ابن تیمیه ۱۴۰۸: ج ۴۴۵/۳-۴۴۳).

نقش خوارج در تضعیف حکومت امام علی(ع): ... (مریم سعیدیان جزی) ۲۵۷

بر اساس این حدیث، رسول الله(ص) فرمود: "ان من ضئعی هذا قوما یقرءون القرآن لآ یجأوز حناجرهم یمرقون من الدین کما یمرق السهم من الرمیة" (ترجمه: از نسل این [شخص] گروهی پدید خواهند آمد که که قرآن می خوانند اما از حنجره‌های آنان فراتر نمی رود. مانند گذر تیر از هدف، از دین خارج می شوند) (بخاری ۱۴۰۷: ج ۶/۲۵۴۰؛ اربلی ۱۴۰۵: ج ۱/۱۲۶) آن حضرت مسلمانان را نسبت به تحولات پیش رو آگاه و وظیفه آنها را مشخص نموده و فرمود: "... ویقتلون اهل الاسلام ویدعون اهل الاوثان لئن ادرکتهم لاقتلنهم قتل عاد.." (ترجمه: ... و مسلمانان را می‌کشند و بت پرستان را رها می‌کنند. اگر من آنها را یافتم مثل قوم عاد می‌کشم) (بخاری ۱۴۰۷: ج ۶/۲۵۴۰؛ اربلی، ۱۴۰۵: ج ۱/۱۲۶).

نویسندگان متقدم به بهانه شرح این حدیث، مطالب مهمی را درباره جریان مصطلح به "خوارج" آورده‌اند که دلالت بر اعتبار حدیث و کاربست آن در دوران حکومت امام علی(ع) دارد. از آن جمله لغویون و متکلمین براساس تطبیق دلالت‌های روایی با یکدیگر، "مارقین" را مرادف خوارج دانسته و تعابیر دیگری که برای این دسته بکار می‌رود، در روند حرکت‌های اجتماعی و تاریخی مرتبط با خوارج مورد بررسی قرار می‌دهند(مفید، ۱۴۱۳: ۱۴۸/۱؛ ابن منظور ۱۴۱۴: ج ۱۰/۳۴). شافعی بر اساس حدیث نبوی، خوارج را شامل کسانی می‌داند که از حق گریزان بودند و از اطاعت و تبعیت امام مفترض الطاعه، یعنی امام علی(ع) سر برتافتند(شافعی ۱۴۱۹: ج ۱۰۶).

گنجی در شرح این حدیث بر سه قضیه تاکید می‌کند. نخست، وجوب عینی جهاد با خوارج توسط امام علی(ع). دوم، نشانه‌های خروج اهل نهروان از دین. سوم، نقش خوارج در تضعیف حکومت امام علی(ع) (گنجی ۱۴۰۴: ج ۱/۱۷۰).

ابن تیمیه براساس حدیث نبوی، خوارج را از مصادیق اهل کفر می‌داند (ابن تیمیه ۱۴۰۸: ج ۳/۴۴۵-۴۴۳) و شیخ مظفر آنها را در زمره اهل نفاق و فجور آورده است(مظفر ۱۴۲۲-۱۴۳۰: ج ۱/۷۵). در نهایت، بیهقی نبرد امام علی(ع) را با خوارج، در زمره قتال با اهل بغی برشمرده است (بیهقی ۱۴۰۸: ج ۶/۴۲۸).

عدم وحدت رویه، عمل‌گرایی کور، بی پایه بودن آراء خوارج، واگرایی عموم مسلمانان و چابکی و تدابیر امام علی(ع) از مهم‌ترین دلایل عدم توفیق خوارج بوده است. بر این اساس آنچه والیری درباره ضعف حکومت امام و محدود بودن فرمانروایی آن حضرت در کوفه آورده نادرست است (Vaglieri 2012: 7-9). شاید بتوان گفت این تصور براساس یک وضعیت انتقالی قابل پیش بینی از سوی برخی منابع اسلامی و جریان‌های هم‌سو با دستگاه اموی تقویت شده

است تا با القای ناکارآمدی و عدم توفیق حکومت امام علی (ع)، بر دو محور اصلی مشروعیت سیاسی یعنی عدم تامین امنیت داخلی و نارضایتی عمومی متمرکز شود. از طرفی این دست از تحلیل‌ها به واسطه ویژگی انشقاقی و کم شمار بودنشان نمی‌تواند مبنای تحلیل قرار گیرد.

در حوزه اجتماعی روحیه خشونت و افراطی خوارج، مورد پذیرش عمومی مسلمانان قرار نگرفت. خوارج در حالی سر بر آوردند که مفهوم حاکمیت دینی به معنای حقیقی شکل گرفته و جامعه اسلامی در حال گذار از کجی‌ها و مقابله با جریان‌های التقاطی و ارتجاعی بود. خطاپذیری، جدایی از خلیفه، سلب امنیت عمومی، کشتار و غارت مردم، رفتارهای برگرفته از جهل و فرهنگ جاهلی و کفر از محورهای نشانه شناختی مبتنی بر تفکر افراطی و ناصواب خوارج بود که عموم جامعه اسلامی درباره آن گفتگو می‌کردند. آن‌ها غفلت و سستی در مواجهه با خوارج را برای بقای حیات، حفظ نظام اجتماعی و پایداری دین جایز نمی‌دانستند (طبری ۱۴۲۲: ج ۱۸۶/۵).

جمود، قشری‌گری و تکفیر سه مشخصه اصلی خوارج بود که دلالت بر شکستن حریم دین و سنت داشت. علاوه بر این آگاهی پیشین مسلمانان از خوارج، بر اساس ادله نقلی و باورمندی آنها به آموزه‌های دینی سبب عدم پذیرش و مقبولیت این گروه در جامعه اسلامی گردید. از منظر عمومی خوارج با تعابیری چون "گناهکاران" (فُسَّاق)، "لجوج" (اهل لجاج)، "دیر باور" (شُکَّاك)، "بدعت گذار" (مُرَاق)، "کهنه و فرسوده" (عَمَاءَ)، "فرومایه" (جَفَاءَ) و "منافق و اهل اختلاف" (أَهْلُ شِقَاقٍ وَ فِرَاقٍ) شناخته می‌شدند (ابن اعثم ۱۴۱۱: ج ۱۰۰/۴). از این رو عموم مسلمانان نسبت به امثال خوارج واگرایی داشته و مقابله با آنها را ادای حق الهی می‌دانستند (بخاری ۱۴۰۷: ج ۲۵۳۹/۶). از شواهد این مدعا می‌توان به مواضع برجستگان صحابه و تابعان در برابر خوارج اشاره کرد (بلاذری ۱۴۱۷: ج ۴۸۹/۲). مثلاً عمار بن یاسر در احتجاج با مخالفان، به حدیث نبوی استشهد نمود و آن را بر مبنای حدیث غدیر تفسیر کرد و با محور قرار دادن اصل ولایت، امام علی (ع) را کانون عمل به دین و سنت قرار داد (ابن اعثم ۱۴۱۱: ج ۷۷/۳). سلمان فارسی بر اساس حدیث رسول الله (ص) که فرمود: "أنا مدينة العلم وعلی بابها" (ترجمه: من شهر علمم و علی دروازه آن است)، بر حسادت خوارج تصریح نموده (طریحی ۱۳۸۳، ۱۵۸) و این نشان می‌دهد که خوارج از هر فرصتی برای انکار ویژگی‌های انحصاری امیرالمومنین (ع) استفاده می‌کردند.

## ۲.۲ کج اندیشی خوارج

خوارج اگر چه به نام دین خروج کردند اما به واقع از اسلام و دین جدا شدند و اندیشه و عمل آن‌ها با نظام فرهنگی برخاسته از جاهلیت و جمود در هم تنیده بود. شواهد و قراین متعددی وجود دارد که رویارویی خوارج با امام علی(ع) را در دو محور اعتقادی و سیاسی نشان می‌دهد. براساس آراء خوارج انکار حکومت و مقابله با امام علی(ع)، به مثابه تکلیف شرعی و عمل به نص است. با بررسی کنش و تبارشناسی خوارج به دست می‌آید تفکر خارجی در نبرد صفین در قالب انتقاد و جمود بود (Gleave 2008) و تا پایان حکومت امام علی(ع) رویه خشونت و قشری گری به خود گرفت. مطابق با این امر مختصات خارجی گری در دوران امام علی(ع) عبارتند از:

**۱.۲.۲ دگر اندیشی اعتقادی:** شعار اصلی خوارج "أَلَا حُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ" (هیچ حکمی جز حکم خداوند نیست) بود که از آن در جهت انکار حق حکومت و جدایی از امام علی(ع) بهره برده و سبب اختلاف و تفرقه شدند (ابن اعثم ۱۴۱۱: ج ۱۳۲/۴). برابر با سخن خیریت بن راشد، خوارج حقی برای امام علی(ع) در دینداری و انجام فرائض قائل نبودند و حکم به کفر و شرک امام علی(ع) (ثقفی ۱۳۹۵: ج ۳۳۳/۱) و صحابه دادند (شهرستانی ۱۳۶۴: ج ۱۱۵/۱). امام علی(ع) دیدگاه خوارج درباره حکومت و امارت را تکذیب کردند (بحرانی ۱۴۱۷: ج ۲۲۰/۲-۲۱۸). آن حضرت اختلاف در تفسیر تحکیم و برداشت نادرست خوارج از عبارت "لا حکم الا لله" را نشانه گمراهی و بازگشت به جاهلیت دانست و با تأکید بر سابقه ایمان و جهاد خود، هشدار داد که خروج از مسیر عقل و عدالت، خوارج را به ورطه نابودی، تسلط مستبدان و ذلت تاریخی خواهد کشاند (شریف الرضی ۱۳۸۸: خطبه ۵۸).

**۲.۲.۲ دگر اندیشی سیاسی:** خوارج در گفتگو با ابن عباس؛ امام علی(ع) را به دلایل زیر انکار و تکفیر کردند: حذف عنوان امیرالمومنین در توافق نامه، تشکیک در ولایت و شایستگی خود در برابر معاویه، واگذاری حکمیت به دیگری، تعیین حکم، تمرد نسبت به دین خدا، جدا کردن زنان و کودکان از غنایم جنگ بصره و در نهایت ضایع کردن حق (ثقفی ۱۳۹۵: ج ۳۳۳/۱). آنها چنین می‌پنداشتند که در جریان حکمیت بر سر حکومت معاویه توافق حاصل گردید (Hinds 1971: 364). خوارج برای رای حکمین امکان وقوع عینی قائل شدند (یعقوبی ۱۳۷۹: ج ۱۹۰/۲؛ شریف الرضی ۱۳۸۸: خطبه ۳۵). در نتیجه حکمیت را نشانه همراهی امام علی(ع) با ظالمان (ثقفی ۱۳۹۵: ج ۳۳۳/۱) و آن حضرت را از مصادیق پیشوایان گمراهی و فتنه ("ائمہ

الضلال و الفتنه" و حکومت ایشان را حکومت بدکاران (دولة الاشرار) دانستند (بلاذری ۱۴۱۷: ج ۴۸۹/۲).

بدین ترتیب خوارج، موقعیت امام علی (ع) را به عنوان خلیفه و امیرمؤمنان، مورد انکار خوارج قرار داده (بلاذری ۱۴۱۷: ج ۴۹۵/۲) و حکم بر خروج علیه آن حضرت دادند (شهرستانی ۱۳۶۴: ج ۱۱۵/۱).

از نظر خوارج، خروج بر امام جائر امری پسندیده و مورد رضایت خداوند بود و اطاعت از آن حضرت به منزله نافرمانی خداوند به شمار می‌آمد (ابن اعثم ۱۴۱۱: ج ۲۵۵/۴). آن‌ها هر کس که علی (ع) را تکفیر نمی‌کرد (مسعودی ۱۴۰۹: ج ۳۴/۳) و موافق تحکیم بود، کافر می‌خواندند (نصر بن مزاحم ۱۴۰۴: ۴۸۹).

**۳.۲.۲ دگر اندیشی اجتماعی:** خوارج به دنبال بر هم زدن وضع موجود بودند و آن را برای حفظ حیات و بقا ضروری می‌دانستند (بلاذری ۱۴۱۷: ج ۴۸۹/۲-۴۹۰). آنها خواهان کسب قدرت مستقل بودند. در حالی شعار نفی حاکمیت غیر الهی را سر می‌دادند که مدعی رهبری بودند و برای امارت امثال عبدالله بن وهب راسبی دعوت می‌کردند (طبری ۱۴۲۲: ج ۱۸۶/۵؛ یعقوبی ۱۳۷۹: ج ۱۹۱/۲). تنوع و فراوانی شورش‌های خوارج بیانگر آن است که نشانه شناختی دولت اخیر در نظر این گروه عبارت است از: جمود، خشونت، غارت، کشتار و انحصارطلبی (ابن اعثم ۱۴۱۱: ج ۱۳۲/۴).

خوارج بر اساس اصل خروج و فرار که به نادرست از آن تعبیر "هجرت" شده، حریم اجتماع و حقوق عمومی را ضایع می‌کردند. پیامد این قضیه زمانی روشن می‌گردد که پدیده هجرت، عمومی و با دیگر گروه‌های مخالف و فاقد اعتبار، مانند "صعالیک" همراه گردد. خوارج از یک سو قلمرو اسلامی را دارالکفر خواندند و از سوی دیگر دارالهیجره آن‌ها، مأمن و ملجأ کسانی بود که نسبت به سیاست‌های امام علی (ع) مخالفت داشتند. می‌توان گفت نسبت مستقیمی بین اهداف، مخاطبان و جهت‌گیری خوارج با امام علی (ع) وجود دارد. با مطابقت این قضیه با حضور خوارج در مکه و توافق با دیگر مخالفان امام علی (ع) معلوم می‌گردد این گروه ثبات رأی نداشتند و کنش آنها تابع شرایط و مصلحت اندیشی‌های فردی و گروهی بوده است.

**۴.۲.۲ عصبیت و ارتجاع:** یکی از محورهای اصلی شورش خوارج، خونخواهی از کشتگان خود بود (بلاذری ۱۴۱۷: ج ۴۹۰/۲). گفتگوی ابن ملجم با ام کلثوم بیانگر آن است که اقدام وی در به شهادت رساندن امام علی (ع)، از روی آگاهی، رضایت و مایه خوشنودی خوارج بوده

نقش خوارج در تضعیف حکومت امام علی(ع): ... (مریم سعیدیان جزی) ۲۶۱

است (بلاذری، ۱۴۱۷: ج ۴۹۵/۲؛ ابن ابی الدنيا [بی تا]: ۸۴). خوارج بیش از آنکه پایبند به شریعت باشند هوس‌های فردی و اغراض اجتماعی و اقتصادی را دنبال می‌کردند (۳۴۶-۳۶۷ Hinds 1971).

### ۳. راهبرد امام علی (ع) در مواجهه با شورش‌های خوارج

مواضع امام علی (ع) نسبت به خوارج بر اساس آموزه‌های شریعت و حیانی اسلام و مبتنی بر قرآن و سنت بوده‌است (شریف الرضی ۱۳۸۸: خطبه ۲۴۱ و نامه ۷۷).

امام علی(ع) در مواضع متعدد حدیث نبوی را مورد استناد قرار می‌دهد و از آن در جهت اثبات جایگاه خود، نشانه کردن دشمن و اقناع عمومی بهره بردند. به عنوان نمونه، پس از واقعه جمل در خطبه‌ای با اشاره به حدیث رسول الله(ص) فرمود: "إِنَّكَ سَتُقَاتِلُ بَعْدِي النَّكَّاتَةَ وَالْقَاسِطَةَ وَالْمَارِقَةَ" (ترجمه: تو بعد از من با ناکثین و قاسطین و مارقین مقاتله و مجاهده می‌کنی ..) (ابن کثیر ۱۴۰۸: ج ۳/۳۰۶). در تعبیر دیگری فرمود: "عَهْدُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فِي قِتَالِ النَّكَّاتِينَ وَالْقَاسِطِينَ" (ترجمه: رسول خدا (ص) از من برای جنگ با ناکثین و قاسطین و مارقین پیمان گرفت) (کوفی ۱۴۲۳: ج ۲/۳۲۳؛ هیشمی، ۱۴۰۸: ج ۷/۲۳۸). نیز فرمود: "أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ أَمَرَنِي بِقِتَالِ ثَلَاثَةِ النَّكَّاتِينَ وَالْقَاسِطِينَ وَالْمَارِقِينَ" (ترجمه: رسول خدا مرا بجنگ نمودن با سه گروه ناکثین و قاسطین و مارقین امر نموده است) (ابن کثیر، ۱۴۰۸: ج ۱۷/۳۶۱). همچنین فرمود: "أَمَرْتُ بِقِتَالِ الْمَارِقِينَ" (ترجمه: مأمور بودم که با مارقین بجنگم) (ابن منظور ۱۴۱۴: ج ۱۰/۳۴).

برخی بر این باورند مقابله با خوارج در زمان حکومت امام علی (ع) از دو جهت واجب بود: نخست آنها علی (ع) و مسلمانان را کافر می‌دانستند و دوم خوارج به ناحق کشتار می‌کردند (۲۵۹-۲۶۱: Madelung 1997).

طبری از آن حضرت نقل می‌کند که فرمود: "بکشید این خطاکاران گمراه نافرمان گناهکار را که نه قرآن می‌خوانند و نه دین را می‌فهمند و نه تأویل را می‌دانند" (طبری ۱۴۲۲: ج ۵/۷۸). در این عبارت امام علی (ع) ظاهر متناقض رفتار خوارج (زیادتی در عبادت) را رد نمی‌کند، بلکه به نقد بنیان‌های فکری، فهم دینی و روش آنها در تعامل با قرآن و دین می‌پردازد (نک: بحرانی ۱۴۱۷: ۳۲۹-۳۳۱؛ مکارم ۱۳۸۶: ۲/۳۷۵-۳۸۰). لذا تعبیر "لَا يَقْرَأُونَ الْقُرْآنَ" در این سیاق به معنای ترک قرائت لفظی نبوده و منظور آن عدم شناخت صحیح نسبت به آموزه‌های

شریعت و سنت و در نتیجه عدم قرائت آگاهانه، عالمانه و از سر بصیرت قرآن کریم و دین است. ابن ابی الدنیا در راستای همین موضوع می‌نویسد: "خوارج گروهی از پارسایان و قاریان قرآن بودند که با وجود اهتمام فراوان به تلاوت و اذکار، در فهم و شناخت قرآن بصیرت نداشتند" (ابن ابی الدنیا [بی‌تا]: ۲۰).

از منظر تاریخی، تقابل جدی امام علی (ع) و خوارج در نبرد صفین و اختلاف بر سر تفسیر حکمیت رخ داد. هرچند برخی آن را به پیش از جریان تحکیم هم نسبت می‌دهند (یعقوبی ۱۳۷۹: ج ۲/۱۹۰). گروهی در جریان رفع مصاحف و از سر ناتوانی و سستی و ظاهر بینی بر امام علی (ع) فشار آوردند تا براساس قرآن با معاویه گفتگو کند اما به سرعت نظرشان را تغییر داده و با برداشت نادرست از آموزه‌های قرآن کریم، مشروعیت و حکومت آن حضرت را در محور اصلی انتقاد قرار دادند. امام علی (ع) در نقد حق طلبی فریبکارانه خوارج فرمود: "كَلِمَةٌ حَقٌّ يُرَادُ بِهَا الْبَاطِلُ" (ترجمه: سخنی حق است اما همدفی باطل از آن اراده شده است) (شریف الرضی ۱۳۸۸: حکمت ۱۹۸). یک احتمال درباره چرخش خوارج این است که آن‌ها گمان می‌کردند توافق علی (ع) و معاویه، سبب مجازات قاتلان عثمان شود و مفهوم آن این است که گروهی از معترضان به تحکیم، پیش از این در قتل عثمان مشارکت داشتند (Donner 1999: 16).

چابکی، هوشمندی و درایت امام علی (ع) در مواجهه با خوارج نهروان و شورش‌های پی در پی آنان، دلالت بر کارآمدی و توفیق حکومت ایشان دارد. امام علی (ع) فرمود: "أَنَا فَعَاتُ عَيْنِ الْفِتْنَةِ وَ لَمْ يَكُنْ أَحَدٌ لِيَجْتَرِئَ عَلَيْهَا غَيْرِي" (ترجمه: من چشم فتنه را کور کردم و هیچ کس جز من جرأت نکرد به آن نزدیک شود) (ثقفی ۱۳۹۵: ج ۷/۱-۶). در عین حال امام علی (ع) در برابر تصور پایان فتنه خوارج، با نگاهی هشدارآمیز و برپایه شناخت بصیرت، تداوم نسل و بروز رفتارهای خشونت‌بار آنان را پیش‌بینی کرد (شریف الرضی ۱۳۸۸: خطبه ۶۰).

به گزارش منابع تاریخی پس از پایان نبرد نهروان، بازماندگان خوارج دچار اضطراب شده (طبری ۱۴۲۲: ج ۵/۱۲۲) و به سرزمین‌های دیگر هجرت کردند (بلاذری ۱۴۱۷: ج ۲/۴۸۶). آن‌ها به این امید که حکومت علی (ع) را از پای در آورند و انتقام خون کشتگان خود را بازستانند، نافرمانی و شورش کردند (ثقفی ۱۳۹۵: ج ۱/۲۸-۲۹). حوزه جغرافیایی نفوذ خوارج از جزیره تا یمن و سیستان را در بر می‌گرفت (ابن اعثم ۱۴۱۱: ج ۴/۲۷۴). از این رو بود که امام علی (ع) اقدام خوارج را دلیل بر بیعت شکنی، جنگ طلبی (ثقفی ۱۳۹۵: ج ۱/۳۳۸) و فتنه انگیزی دانست (شریف الرضی ۱۳۸۸: خطبه‌های ۹۲ و ۲۲۴).

نقش خوارج در تضعیف حکومت امام علی(ع): ... (مریم سعیدیان جزی) ۲۶۳

گزارش مهم و مستند بلاذری نشان می‌دهد که خوارج سبب ناامنی شهرها شدند و به واسطه عدم پرداخت مالیات، تاراج خزانه، خشونت و تخریب اماکن عمومی از عوامل مهم فساد و آشوب در جامعه اسلامی به شمار می‌آمدند. به علاوه ترس عمومی نسبت به آنها وجود داشت (بلاذری ۱۴۱۷: ج ۴۸۹/۲). شدت آسیب خوارج تا آنجا پیش رفت که افرادی چون اشعث بن قیس کندی و دیگر اشراف قبیله‌ای از امام خواستند تا در مواجهه با شامیان و خوارج، ابتدا خوارج را دفع کند (بلاذری ۱۴۱۷: ج ۳۶۸/۲؛ طبری ۱۴۲۲: ج ۸۲/۵). امام با توجه به اهمیت مسئله معاویه و شام با این پیشنهاد مخالفت کرد (طبری ۱۴۲۲: ج ۸۰/۵) اما پس از آن قاطعانه با خوارج برخورد و اجتماع آنها را برهم زد (طبری ۱۴۲۲: ج ۹۶/۴-۹۵). در عین حال خوارج در آشوب‌های دوران حکومت امام علی(ع) نقش به‌سزایی داشتند. برخی از شورش‌های خوارج عبارتند از:

- شورش اشرس بن عوف شیبانی نخستین تحرک خوارج پس از نهروان بود. اشرس با ۲۰۰ نفر در دسکره (غرب بغداد) بر امام شورید. سپس به انبار رفت و در نبرد با ابرش بن ثمان، در ربیع الاول سال ۳۸ هجری کشته شد (بلاذری ۱۴۱۷: ج ۴۸۱/۲). امام، خروج اشرس را از مظاهر خروج شیطان برای کشتار مردم دانست (یعقوبی ۱۳۷۹: ج ۱۹۶/۲).
- شورش هلال بن علقمه و برادرش مجالد تیمی (تیم رباب) در ماسبذان که در جمادی الاولی سال ۳۸ هجری توسط معقل بن قیس ریاحی سرکوب شد (بلاذری ۱۴۱۷: ج ۴۸۳/۲).
- شورش اشهب بن بشیر قرنی، وی در جمادی الاخری سال ۳۸ هجری در کوفه خروج کرد و توسط جاریه بن قدامه سعدی سرکوب گردید (بلاذری ۱۴۱۷: ج ۴۸۳/۲).
- خروج سعید بن قفل تیمی، در رجب سال ۳۸ هجری در نزدیکی مدائن که با فرماندهی سعد بن مسعود ثقفی سرکوب و کشته شد (بلاذری ۱۴۱۷: ج ۴۸۴/۲).
- شورش ابومریم سعدی که با گروهی از عرب و عجم در شهر زور خروج کرد و تا نزدیکی کوفه پیش رفت. هدف او نبرد با امام علی(ع)، خونخواهی کشتگان نهروان و رد تحکیم بود. امام، شریح بن هانی و جاریه بن قدامه سعدی را به مقابله وی فرستاد (بلاذری ۱۴۱۷: ج ۴۸۵/۲-۴۸۶).

- شورش عمران بن فضیل برجمی که همراه با حسکه بن عتاب حبلی، از رهبران خوارج و گروهی از دزدان و دراویش (صعالیک) در سیستان خروج کرد. سپس بیت المال را ضبط و مردم را به شکستن بیعت فراخواند. امام، تدابیری را برای مقابله با این شورش اندیشید (بلاذری ۱۴۱۷: ج ۸۷/۱۳) اما حضور خوارج در مرزهای شرقی ادامه داشت و خطر آفرین بود (خلیفه بن خیاط ۱۳۹۷: ۱۹۹/۱؛ قدامه بن جعفر ۱۴۰۱: ۳۹۴).

- نقش قبایل غنی و باهله در اختلافات سیاسی: دو قبیله غنی و باهله در کوفه سکونت داشتند و اختلاف آن‌ها با امام علی (ع) به پیش از نبرد صفین بر می‌گشت. دلیل این امر آن بود که روسای قبیله‌ای آن‌ها از هواداران معاویه بوده (نصرین مزاحم ۱۴۰۴: ۱۹۰) و خوش داشتند تا در نبرد صفین، معاویه پیروز شود (ثقفی ۱۳۹۵: ج ۱۸/۱). به طور مثال أبو امامه باهلی به شام رفت، با معاویه دیدار نمود و علیه امام توطئه کرد (منقری ۱۴۰۴: ۱۹۰). به علاوه اشراف و شیوخ قبیله‌ای غنی و باهله، سهم بیشتری از بیت المال را طلب کردند که امام براساس اصول حاکم بر شرع و سنت، به ادعای ایشان توجهی نکرد. از این رو بود که با تحریک احساسات قومی، خیانت و نفاق مشکلاتی را برای امام به وجود آوردند. برخورد سلبی امام با این دو قبیله بیانگر شدت جایگاه‌ایابی آن‌ها در جامعه اسلامی است. امام علی (ع) دستور داد تا افراد قبیله غنی و باهله از کوفه خارج شوند و به جای دیگری بروند (ثقفی ۱۳۹۵: ج ۲۱/۱-۲۲). سرانجام هانی بن حوزه - که جانشین آن حضرت در کوفه بود- آن‌ها را در مناطق دیلم اسکان داد (منقری ۱۴۰۴: ۱۱۶؛ ثقفی ۱۳۹۵: ج ۱۹/۱).

- شورش خربت بن راشد و بنی ناجیه در اهواز و فارس: خربت کارگزار امام در اهواز بود (ابن اثیر ۱۳۸۵: ج ۲۶۴/۳). او در آغاز نبرد با معاویه، به همراه سی نفر از یارانش به صفین آمد و خطاب به امام علی (ع) عرض کرد: "به خدا قسم من از تو فرمان نمی‌برم و برایت خیر خواهی نمی‌کنم و فردا از تو جدا می‌شوم" (ثقفی ۱۳۹۵: ج ۳۳۳/۱). بدین ترتیب خربت رسماً بیعت شکنی کرد. او پذیرش حکمیت توسط امام علی (ع) را به منزله همراهی با ظالمان دانست و از آن حضرت برائت جست (ثقفی ۱۳۹۵: ج ۳۳۳/۱).

بدین ترتیب خربت بر پایه آراء خوارج و بر سر قضیه تحکیم، اجماع حکمین و انکار حکومت امام علی (ع) خروج کرد (ابن کثیر ۱۴۰۸: ج ۳۰۸/۷-۳۰۹) و بنی ناجیه، خوارج و دیگر مخالفان را همراه خود نمود و از عراق تا مرزهای عمان را تصرف کرد (یعقوبی ۱۳۷۹: ج ۱۹۵/۲). وی همانند آراء خوارج، خون مسلمانان را مباح کرد، امام علی (ع) را خلع نمود و

نقش خوارج در تضعیف حکومت امام علی(ع): ... (مریم سعیدیان جزی) ۲۶۵

هوادارانش را از پرداخت مالیات منع کرد(ثقفی ۱۳۹۵: ج ۱/۳۵۴؛ طبری ۱۴۲۲: ج ۵/۱۲۲-۱۲۹).

عقاید خریث بر گرفته از عصبیت، در تقابل با دیدگاه امام علی(ع) و همسو با خوارج بوده است. شورش خریث بیانگر آن است که خوارج در محور اعتراض و خشونت قرار داشتند و دفع خطر آنها به مثابه یک امر سیاسی، ضروری می نمود. امام علی(ع) مطابق معمول احتجاج و روشنگری نمود و عمل ناصواب خریث را در صفین، نشانه همراهی با جاهلان و شیطان دانست (ثقفی ۱۳۹۵: ج ۱/۳۳۳). سپس طی نامه‌هایی، او را با تعبیری چون "فاسق" و "مفسد فی الارض" (طبری ۱۴۲۲: ج ۵/۱۲۹-۱۲۹) و "دور شده از دین، نابودگر و محارب" (مارق‌هالک مُحَارِبٌ) توصیف کرد. آن حضرت همگان را به فرمانبرداری از کتاب خدا و سنت رسول الله(ص) و جهاد فراخواند و معقل بن قیس ریاحی را به فرماندهی گروهی از سپاهیان روانه اهواز کرد. معقل با درایت و مهارت نظامی توانست فتنه خریث را در مدت کوتاهی دفع و اجتماع همراه او را متلاشی نماید(ثقفی ۱۳۹۵: ۱/۳۵۸؛ طبری ۱۴۲۲: ۵/۱۲۹-۱۲۹). معقل سه دلیل را برای ستیز با خریث بیان می کند: نخست، خروج آنها از دین (مارقین). دوم، عدم پرداخت مالیات. سوم، ایجاد ناامنی و قتل و غارت عمومی(ثقفی ۱۳۹۵: ج ۱/۳۵۳).

- همراهی با شورش ابن حضرمی در بصره: عبدالله بن حضرمی از جاسوسان معاویه بود که پس از نبرد صفین وارد بصره شد و مامور اجرای طرح سلب حاکمیت امام علی(ع) و دعوت مردم به سوی معاویه بود. ابن حضرمی مخالفان علی(ع) را بسیج و بلوا کرد. قراین و شواهدی وجود دارد که نشان می دهد خوارج در ایجاد آشوب و تقویت فتنه ابن حضرمی در بصره نقش داشتند. ابن حضرمی مورد حمایت و پشتیبانی خوارج بود و در مکانی که آنها برای وی تدارک دیده بودند، سکنی گزید. ثقفی از این گروه با تعبیر "خوارج نافرمان و منحرف" (الخارجة المارقة) یاد کرده و نافرمانی و جنگ افروزی را در زمره نشانه‌های آنها بر شمرده است. امام علی(ع) نیز رهبران این فتنه را با عباراتی نظیر "اشرار، مفسدان و ستمگران" (اوباش، مفسدین، ظالمین) معرفی می کند و هواپرستی، جدل ورزی، فرومایگی، خشونت و ستم(ثقفی ۱۳۹۵: ج ۲/۴۰۳) را از جمله صفات همراهان و یاری کنندگان ابن حضرمی می داند(ثقفی ۱۳۹۵: ج ۲/۳۹۷-۴۰۳). تدبیر امام در خصوص فتنه بصره، روشنگری و برخورد قاطعانه بود. آن حضرت به اعین بن ضبیعه مجاشعی مأموریت داد تا با مارقین و یاغیان بصره جهاد کند(طبری ۱۴۲۲: ج ۵/۱۱۱).

- شورش خوارج در کوفه: کوفه پس از نهروان و در اواخر حکومت امام علی (ع) اوضاع مناسبی نداشت و آشوبگری و کینه جویی خوارج به گونه‌ای دیگر نمود می‌یافت. به نوشته بلاذری، خوارج کوفه در سه گروه قرار گرفتند. ۳۰۰۰ تن که به همراه ابویوب انصاری از نهروان بازگشتند. گروهی که همچنان در نخيله اطراق کرده و قصد جنگ با شامیان را داشتند. گروهی که در کوفه بودند و نه قصد جنگ و نه همراهی با امام را داشتند (بلاذری ۱۴۱۷: ج ۱۸۵/۲).

خوارج به این بسنده نکردند. آنها در مسیر عبور امام علی (ع) قرار گرفته و به بهانه اعتراض به تحکیم، کشته شدن مسلمانان و دنیا طلبی حکومت آن حضرت را نمونه دولت اشرار خوانده و فرجام آن را طلب می‌کردند (ثقفی ۱۳۹۵: ج ۳۰/۱). یکی از کسانی که در ایجاد ناامنی و تحریک عواطف کوفیان مشارکت فعال داشت، حیان بن ضبیان سلمی است. حیان از بازماندگان خوارج نهروان بود که به همراه خوارج کوفه مانند مستورد بن علفه تیمی و معاذ بن جوین طائی، سپاهی را تدارک دید و با انتشار خبر دروغ کشته شدن امام علی (ع) و اعلام جنگ با معاویه باعث هراس و اضطراب کوفیان شد (طبری ۱۴۲۲: ج ۱۷۵/۵).

بدین ترتیب روشن می‌گردد خوارج در راستای کج اندیشی سیاسی و اعتقادی، حقوق اجتماعی، قوانین حکومتی، قواعد اخلاقی و گزاره‌های اعتقادی را نادیده گرفته و بر مدار ایدئولوژی خود بافته و کور خود عمل کردند. نمودهای خروج از امر سیاسی در اندیشه و عمل آنها نمایان بود و شامل نافرمانی، خشونت و نفاق می‌شد. اقدامات خوارج تنها به شورش نظامی خلاصه نمی‌شد، بلکه آنها مجموعه‌ای از اقدامات سیاسی، اجتماعی، اعتقادی و تبلیغی را در دوران امام علی (ع) دنبال می‌کردند و با رفتارهای خشونت آمیز، تبلیغات افراطی و تحریف مفاهیم دینی امنیت اجتماعی را تهدید کردند و نقش مؤثری در بی‌ثباتی سیاسی ایفا کردند.

راهبرد امام علی (ع) در مواجهه با خوارج، صرفاً امنیتی و نظامی نبود. براساس اصل انصاف و منطق حکمرانی، حقوق خوارج را تا زمانی که جنگ و فساد نکردند، محترم شمرد و فرمود: "شما نزد ما سه حق دارید. شما را از مساجد خدا که در آن نام او را یاد می‌کنید، منع نمی‌کنیم. تا زمانی که دست‌هایتان با دست‌های ماست، شما را از بیت‌المال محروم نمی‌کنیم و با شما نمی‌جنگیم مگر آن‌که شما آغاز به جنگ کنید" (شریف الرضی ۱۳۸۸: نامه ۷۷). همچنین بر اساس اصل هدایت و اصلاح، تدابیری را به کار گرفت (یعقوبی ۱۳۷۹: ج ۱۹۱/۲-۱۹۲). به عنوان نمونه در برابر دشنام یکی از خوارج، مدارا و تفکیک میان انحراف فکری و اقدام عملی را مبنا قرار داد و فرمود: "إِنَّمَا هِيَ سُبُّ سُبِّ، أَوْ عَفْوٌ عَنْ ذَنْبٍ" (ترجمه: پاسخ دشنام، دشنامی

نقش خوارج در تضعیف حکومت امام علی(ع): ... (مریم سعیدیان جزی) ۲۶۷

دیگر است یا گذشت از گناه(شریف الرضی ۱۳۸۸: حکمت ۴۲۰). نیز با خوارج بر اساس سنت رسول الله (ص) احتجاج نمود(شریف الرضی ۱۳۸۸: نامه ۷۷). با اتمام حجت و دعوت به بازگشت با خوارج مقابله کردند. از این رو بود که در نبرد نهروان بسیاری از آنها بازگشتند(ابن سعد [بی تا]: ج ۳/۳۲). این رویکرد بیانگر آن است که امام در عین قاطعیت در تامین امنیت و مقابله با هر گونه فتنه، برای جلوگیری از درگیری‌های فرسایشی داخلی پس از جنگ نهروان اهتمام ورزیدند.

در بررسی مواضع امام علی (ع) نسبت به خوارج، یکی از مهم‌ترین محورهای تاریخی، دستور ایشان مبنی بر عدم جنگ با خوارج پس از آن حضرت است. آن حضرت فرمود: "لَا تَقْتُلُوا الْخَوَارِجَ بَعْدِي، فَإِنَّهُ مَنْ طَلَبَ الْحَقَّ فَأَخْطَأَهُ، لَيْسَ كَمَنْ طَلَبَ الْبَاطِلَ فَأَدْرَكَهُ" (ترجمه: پس از من خوارج را مکشید. چه آن که به طلب حق در آید و راه خطا پیماید همانند آن نیست که باطل را طلبد و بیابد و بدان دست گشاید) (شریف الرضی ۱۳۸۸: خطبه ۶۱).

این عبارت حاوی تمایزی مفهومی میان دو نوع کنش‌گری اجتماعی و سیاسی است. کسانی که با انگیزه دینی در پی حقیقت هستند اما دچار خطا می‌شوند و کسانی که با علم به نادرستی، در پی اهداف باطل خود حرکت می‌کنند.

راهبرد امام علی (ع) در مواجهه با خوارج، بر پایه اصل عدالت و عقلانیت و مصلحت دینی و تمایز میان تکلیف دینی و اهداف سیاسی شکل گرفت. ایشان ضمن نقد رفتارهای خطاپذیر، برداشت‌های ناصواب از دین و روش خوارج در تعامل با قرآن، با تفکیک میان خطای معرفتی و انحراف عمدی، تفاوت خطا در هدف و خطا در نیت و تمایز دشمن آگاه و مخالف جاهل، از ادامه درگیری با آنها پس از رفع تهدید نظامی پرهیز کرد و حتی یاران خود را از تعقیب و کشتار بازماندگان خوارج بعد از پیروزی در نبرد نهروان بازداشت. اما اینکه حضرت با خوارج جنگید و در عین حال پس از خود از جنگ با آنان نهی کرد، به این دلیل بود که "خوارج در زمان ایشان آغازگر جنگ بودند، فتنه‌انگیزی کردند، مردم را به بدعت‌های خود دعوت نمودند و دست به قتل افراد بی‌گناه زدند بنابراین، نهی از جنگ با خوارج مربوط به زمانی است که آنان دست به فتنه و فساد نزنند، خون ناحق نریزند و اقدام نظامی نکنند" (شریف الرضی ۱۳۸۸: خطبه ۶۱ و نک: ابن ابی الدنيا [بی تا]: ۲۲). این نشان می‌دهد که از این دو دسته، معاویه سزاوار کشتن است چنانکه رسول الله (ص) (ابن عساکر ۱۴۱۵: ۱۵۶/۵۹) و امام علی (ع) صراحتاً حکم به کشتن او می‌دهند (فَأَقْتُلُوهُ) (شریف الرضی ۱۳۸۸: خطبه ۵۷) و علت استحقاق قتل را

"طلب باطل به دلیل باطل بودن آن" دانست تا آشکار شود که این معیار در مورد خوارج صدق نمی‌کند (بحرانی ۱۴۱۷: ۳۳۵/۲).

تصمیم امام برای مقابله با شامیان به ویژه پس از نبرد با خوارج بیان‌گر آن است که آن حضرت آمادگی لازم برای از سرگیری نبرد با معاویه را داشته است. به گزارش صرافی، امام علی (ع) پس از فراغت از نهران، همگان را به جنگ با شامیان فراخواند (ثقفی ۱۳۹۵: ج ۱/۲۵-۲۳). این مهم البته نزد مخالفان آن حضرت پنهان نبود و ترس از نابودی و انگیزه امام برای ستیز با مخالفان، این گروه را بر آن داشت تا با سستی و نیز در قالب طرح توطئه علیه امام و همداستان با خوارج علیه آن حضرت اقدام کنند. بدین ترتیب خوارج بار دیگر فریب خوردند (بلاذری ۱۴۱۷: ج ۴۸۷/۲).

برخورد امام علی (ع) با خوارج در ارتقاء مشروعیت و مقبولیت بیشتر آن حضرت و وفای و همدلی در بین عموم جامعه نقش به‌سزایی داشت (ابن کثیر ۱۴۰۸: ج ۳/۳۰۶). بدین ترتیب ظهور خوارج تهدید جدی برای حکومت امام علی (ع) و جامعه اسلامی به شمار می‌آمد که با تدبیر امام و همبستگی و اشتراک مساعی همگان تحت کنترل و نظارت امام و کارگزاران وی قرار گرفت. امام علی (ع) از این امکان برای افزایش اقتدار و تثبیت حکومت خود بهره‌برده و امید پیروزی بر شامیان را دوباره زنده کردند.

#### ۴. نقش خوارج در تضعیف ساختار حکومت امام علی (ع)

یکی از محورهای مهم در تبیین نقش خوارج در تضعیف ساختار سیاسی حکومت امام علی (ع) طرح موضوع "دولت دینی معارض" است. خوارج با بهره‌گرفتن از نمادهای شریعت و تفسیرهای گزینشی و سطحی از آموزه‌های دینی، به دنبال کسب مشروعیت سیاسی و اعمال قدرت بودند (نک: ظهیری ۱۳۷۹). براساس آنچه در ادامه خواهد آمد خوارج به‌عنوان یکی از گروه‌های مخالف، با انکار حکومت مشروع، طرد عقلانیت سیاسی، ترویج خشونت دینی و فتنه افکنی در رویارویی با امام علی (ع) قرار گرفتند و یک جبهه شبه دینی را با تکیه بر پایگاه تقدسی شهر مکه تشکیل دادند. این گروه با بهانه جویی و ادعای ایجاد نظم سیاسی مبتنی بر سنت، جماعت و عدالت در تضعیف ساختار حکومت امام علی (ع) نقش موثری داشتند. امام علی (ع) در مواجهه با این دولت دینی معارض، رویکردی چندوجهی و مبتنی بر عقلانیت، مدارا و قاطعیت اتخاذ کرد.

نقش خوارج در تضعیف حکومت امام علی(ع): ... (مریم سعیدیان جزئی) ۲۶۹

شهر مکه از نظر ساختار اداری تحت فرمان امام علی(ع) بود اما به واسطه موضع گیری قریش و برخی از مخالفان آن حضرت در مکه و پیشینه این شهر به عنوان پایگاه اصلی ناکثین، آن شهر را به مأمّن و محل تجمع مخالفان امام علی(ع) تبدیل کرده بود (به عنوان نمونه: طبری ۱۴۲۲: ج ۱۳۶؛ ابن اثیر ۱۳۸۵: ج ۳۷۸/۳). خوارج و هواداران عثمان از مخالفان سرسخت امام علی(ع) به شمار می‌رفتند و پس از ناکامی در دو نبرد جمل و صفین، دشمنی خود را در قالب شورش‌های محلی، نافرمانی مدنی و نفاق ابراز نمودند. ابن اعثم می‌نویسد خونخواهان عثمان بعد از نهروان جنب و جوش بیشتری داشتند. آن‌ها از امام علی(ع) براءت جسته و از پرداخت مالیات امتناع کردند. از این رو آن حضرت به کارگزار خود در مکه دستور داد تا خطاکاران را مجازات کند (ابن اعثم ۱۴۱۱: ج ۲۲۹/۴ - ۲۳۰).

در همین ایام گروهی از خوارج در مکه - که آن را دارالهجره نامیدند - تحصن کرده و تا سال ۴۰ هجری در آنجا حضور داشتند. به نوشته بلاذری آنها مجاور خانه خدا شدند و گفتند این خانه در جاهلیت و اسلام، شأن و منزلت داشته است. ما به واسطه آن شر فاسدان را کم و امت را نجات می‌دهیم و رهبر جامعه اسلامی را توسط مردم تعیین می‌کنیم (بلاذری ۱۴۱۷: ج ۴۸۹/۲ - ۴۹۰).

مخالفت خوارج در مکه به سرعت گسترش یافت و جنبه خشونت به خود گرفت. آن‌ها درباره امراء و فرمانروایان عیجوثی نموده و علیه امام علی(ع) توطئه می‌کردند (ابن قتیبه ۱۴۱۰: ج ۱۷۹/۱). برای کشتگان نهروان نوحه سر داده و می‌گفتند چه بسیار مناسب است ما جان خود را در راه خدا داده و این پیشوایان گمراه را نابود و مردمان و شهرها را از دست آنها آسوده سازیم و انتقام خون کشتگان نهروان را هم بگیریم. آنها قرار گذاشتند پس از فراغت از مناسک حج، اندیشه خود را پیاده کنند (بلاذری ۱۴۱۷: ج ۴۸۹/۲ - ۴۹۰).

یکی از دلایل تجمع خوارج در مکه، بهره برداری از موقعیت مکه و مخالفان امام علی(ع) برای فتنه انگیزی و آشوب‌گری در برابر حکومت امام علی(ع) بوده است. آراء سیاسی آن‌ها در مکه بر محور خروج بر حاکم، تغییر حاکمیت، خونخواهی کشتگان نهروان و رستگاری بود (بلاذری، ۱۴۱۷: ج ۴۹۰/۲) اما چنانکه خواهد آمد این ادعاها صرفاً در قالب شعار و خشونت، تکفیر و جمود نمود داشت. خوارج مقاصد سیاسی و اقتصادی داشتند و ترس از مجازات قاتلان عثمان توسط امام علی(ع) (Donner 1999: 16) و موضع گیری نسبت به قریش، آنها را به سوی و رقبای آن حضرت مانند معاویه و هواداران عثمان سوق داد.

این تحولات در حالی رخ می‌داد که امام علی (ع) عزم جهاد با شامیان داشت (تقفی ۱۳۹۵: ج ۱/۲۳-۲۵ و ۴۳) و معاویه از این قضایا آگاه بود. از این رو به سرعت وارد عمل شد. معاویه توانست قریش شام و مکه را علیه امام علی (ع) و بنی هاشم بسیج کند و آنها را متقاعد سازد که آزاد کردن مکه و حفظ جایگاه قریش و وظیفه دینی و الهی همگان است (تقفی ۱۳۹۵: ج ۱/۲۷۲). بدین ترتیب معاویه عصیت و احساسات جاهلی قریش را برانگیخت (Madelung ۲۵۱-۲۵۲: ۱۹۹۷) و از آن برای تقویت جایگاه خود و تضعیف موقعیت علی (ع) بهره برد. سیاست معاویه حمله از بیرون و تصرف از درون بود که از طریق شامیان، قریش مکه و مخالفان امام علی (ع) انجام می‌گرفت (منقری ۱۴۰۴: ۴۲۴). او پس از مشورت، طرح حمله نظامی را به زمانی دیگر موکول کرد و سیاست جایگزین را به کار گرفت. به فرمان معاویه، یزید بن شجره رهاوی که از سرشناسان و نیک‌نامان اهل شام بود، به همراه کاروانی از حجاج رهسپار مکه گردید (طبری، ۱۴۲۲: ج ۱۳۶). مقصود آن بود تا موقعیت معاویه به عنوان خلیفه تثبیت گردد (Madelung ۴۰۰: ۱۹۹۷). موقعیت مکه، مناسبت حج و حضور خوارج و فرصت طلبی معاویه، زمینه هم‌افزایی مخالفان و توطئه‌گری آنها علیه حکومت امام علی (ع) را تسریع بخشید.

معاویه، یزید بن شجره رهاوی را با این بهانه رهسپار مکه کرد که والی مکه از قاتلان عثمان است و خونخواهی عثمان سبب تسلای خاطر قریش و نزدیکی مردم به خدا خواهد بود (Madelung ۱۹۹۷: ج ۱/۴۰۰). یزید در مکه دو مأموریت داشت: ۱- اجرای طرح توطئه علیه حکومت علی (ع). ۲- بهره‌مندی از موقعیت مکه و قریش برای انتقال مشروعیت سیاسی و دینی حکومت به معاویه (ابن سعد [بی‌تا]: ج ۱/۱۳۸).

یزید پس از ورود به مکه با مخالفان علی (ع) و خوارج ملاقات و گفتگو نمود (بلاذری ۱۴۱۷: ج ۲/۴۸۹-۹۰). به استناد گزارش مبرد، ملاقات یزید با خوارج دو پیامد مهم داشت. نخست، در اختلاف بین رهاوی و قثم بن عباس، والی مکه، خوارج بر ریاست شبیه عبدری در امور حج رضایت دادند (مبرد ۱۴۱۷: ج ۳/۹۲۵-۹۲۶) و جانب رهاوی را گرفتند (بلاذری، ۱۴۱۷: ج ۲/۴۸۷). دوم، اندیشه خود را برای ترور امام علی (ع) علنی کردند (مبرد ۱۴۱۷: ج ۳/۹۲۵-۹۲۶).

حضور یزید بن شجره رهاوی در مکه آن هم در هیات زایر خانه خدا، نمود دینی داشت اما چنانکه آمد معاویه برای جلب نظر مخالفان امام علی (ع) و تقویت جایگاه خود، تلبیس کرد و همگان را فریب داد. هدف از اعزام ایجاد وفاق و هماهنگی بین مخالفان امام علی (ع) و تقویت جایگاه معاویه بود. بدین ترتیب روشن می‌گردد که مکه، پایگاه اجتماع مخالفان امام علی (ع)

نقش خوارج در تضعیف حکومت امام علی(ع): ... (مریم سعیدیان جزوی) ۲۷۱

بود و طراحان توطئه علیه امام علی(ع) در سه محور سیاسی، نظامی و عقیدتی وارد عمل شده و با ایجاد پیوند با خونخواهان عثمان، موضع‌گیری نسبت به قریش و خوارج و اشتراک مساعی یکدیگر طرح شوم خود را اجرا کردند.

جدیت و قوت عمل امام علی(ع) در مواجهه با این پیشامدها قابل توجه است. آن حضرت در نامه به قثم بن عباس، کارگزار مکه فرمود: "مراسم حج را برای مردم برپا دار و ایام الله را به یاد آنان آر، و بامداد و شامگاه برای آنان مجلس ساز. آن را که فتوا خواهد فتوا ده و نادان را بیاموز و با دانا به گفتگو پرداز" (ابن اعثم ۱۴۱۱: ج ۴/۲۲۱). در عین حال مردم را از توطئه معاویه در مکه باخبر و فرمان جهاد داد و معقل بن قیس ریاحی را در راس سپاهی از زبندگان و جنگاوران عراق عازم حجاز کرد (ابن عساکر ۱۴۱۵: ج ۳۶۷/۵۹؛ طبری ۱۴۱۵: ۵۳۳). معقل زمانی به مکه رسید که شامیان از حرم خارج شده بودند، با این حال یزید و شامیان را تعقیب کرد و تنی چند از آنها را به اسارت گرفت (خلیفه بن خیاط ۱۳۹۷: ۱۹۸).

## ۵. مشارکت خوارج در طرح ترور امام علی (ع)

قیام خوارج بر پایه سه اصل استوار بود: ۱- خونخواهی کشتگان خوارج ۲- افول دولت گمراهان و اشرار (بلاذری ۱۴۱۷: ج ۲/۴۹۰) ۳- تشکیل دولت خوارج (ابن سعد [بی‌تا]: ج ۳/۳۵) و راهبرد آن‌ها برای سلب مشروعیت و نفوذ سیاسی امام علی (ع)، مشارکت در شهادت آن حضرت بود.

برای انجام این امر سه تن از خوارج با یکدیگر پیمان بستند که امام علی (ع)، معاویه و عمرو بن عاص را بکشند و قسم خوردند که پیمان خود را نشکنند. یا بکشند یا بمیرند و قرار گذاشتند شب ۱۹ ماه رمضان اقدام کنند (ابن سعد [بی‌تا]: ج ۳/۳۶؛ ابن ابی الدنیا [بی‌تا]: ۳۲). آنها عمره ماه رجب را هم به جا آوردند (بلاذری ۱۴۱۷: ج ۲/۴۸۷). سپس متفرق شده و هر یک راهی مقصد خود گردید. از آن میان تنها ابن ملجم مرادی کارش را به سرانجام رسانده و امام علی(ع) را با ضربت شمشیر زهرآلود زخمی کرد (مفید ۱۴۱۳: ج ۱/۲۰-۲۱) اما دو دیگر - که درباره نام و نسبشان اختلاف است - در انجام مقصود خود، یعنی کشتن عمرو بن عاص و معاویه ناکام ماندند (ابن سعد [بی‌تا]: ج ۴/۱۸۸).

بدین ترتیب روشن می‌گردد که ۱- ابن ملجم مرادی تمایلات خارجی داشت و مطابق رای خوارج، اقدام به ترور امام علی(ع) نمود (ابن سعد [بی‌تا]: ج ۳/۲۵-۲۶). ۲- قصه عشق ابن ملجم به قطام - که برخی درباره آن بزرگ‌نمایی کرده و عامل اصلی تصمیم ابن ملجم می‌دانند -

پرازبهام و اغراق و تدلیس است. چنانکه برخی از مورخان مانند بلاذری، اشاره‌ای به این حادثه نکرده‌اند (بلاذری ۱۴۱۷: ج ۲/۴۹۰). ۳- کینه خواهی و عصبیت خوارج به گونه‌ای بود که قصد شوم خود را در ماه رمضان و به یاد نبرد نهروان و کشتگان خوارج، پیاده کردند. ۴- شهادت امام علی (ع) بخشی از طرح سلب مشروعیت و نفوذ سیاسی حکومت امام علی (ع) بود و اقدام خوارج در ترور آن حضرت در راستای نقش انتسابی و طبیعی آن‌ها قرار داشت. با این حال خوارج در انجام این امر از مشارکت و همفکری سایر مخالفان امام علی (ع) بهره جستند. برخی از دلایل و قرائنی که این ادعا را ثابت می‌کند عبارتند از: ناکامی در ترور عمرو و معاویه (بلاذری ۱۴۱۷: ج ۲/۴۹۰)، حضور و مشارکت وردان تیمی، شیب، مغیره بن نوفل و اشعث بن قیس در شهادت امام علی (ع) (ابن سعد [بی تا]: ج ۳/۳۶).

## ۶. نتیجه گیری

ظهور خوارج و پیامدهای ناشی از آن از مسائل مهم در تاریخ تحولات اسلامی به شمار می‌آید و در متون اسلامی اخبار متفاوت، پراکنده و قابل بررسی از آن‌ها ارائه شده است. در این تحقیق با استفاده از روش مطالعه تاریخی و مطالعه کتابخانه‌ای و اسنادی، گزارش‌های مختلف از متون اسلامی استخراج گردید. براساس گونه‌های اخبار و تناسب آن با رخدادها و دیگر بازخوانی و مورد ارزیابی قرار گرفت. با تحقیقات معاصر مطابقت داده شد و اشتراکها و تفاوت‌های آن بررسی گردید. می‌توان گفت برخی از تحلیل‌های ارائه شده در این زمینه به واسطه ضعف اسنادی، ویژگی انشقاقی و کم شمار بودنشان قابل تأمل است. از این پژوهش به دست آمد که:

- خوارج برآمده شرایط نامناسب اجتماعی و فکری جامعه اسلامی بودند و آراء مذهبی آن‌ها تحت تأثیر اغراض سیاسی، فرهنگی و اقتصادی شان قرار داشت. سیر تاریخی ظهور و بروز خوارج از نبرد نهروان تا پایان حکومت امام علی (ع) بیانگر آن است که این گروه به دلیل عصبیت و قشری‌گری در سه حوزه اعتقادی، سیاسی و اجتماعی دچار دگراندیشی شدند.

- از منظر تاریخی تقابل جدی امام علی (ع) و خوارج در نبرد صفین و قضیه حکمیت رخ داد. محور اصلی اعتراض و نافرمانی مدنی این گروه، انکار و تکفیر امام علی (ع) بود که در قالب خشونت، غارت، کشتار و انحصارطلبی نمود یافت. خطاپذیری، جماعت‌گریزی، کشتار و غارت مردم، اظهار تفکر جاهلی و نفاق از محورهای نشانه‌شناختی مبتنی بر افراطی‌گری و جمود خوارج بود. با این حال شورش‌های متوالی خوارج

نقش خوارج در تضعیف حکومت امام علی(ع): ... (مریم سعیدیان جزی) ۲۷۳

خسارت‌های جدی را بر جامعه وارد کرد. ناامنی، فساد، اختلاف و تحریک عواطف عمومی از جمله پیامدهای ناشی از ظهور خوارج بود. بدین ترتیب خوارج سهم بسزایی در تضعیف موقعیت امام علی (ع) داشتند.

- مهم‌ترین عرصه رویارویی خوارج با امام علی(ع) در قالب تحصن در مکه و مشارکت در طرح سلب مشروعیت و نفوذ سیاسی امام علی (ع) نمود یافت. مکه پایگاه اجتماع مخالفان امام علی(ع) بود و ترس از محاکمه و فتنه انگیزی خوارج را به سوی مخالفان امام علی (ع) سوق داد. آنها در سه محور سیاسی، نظامی و عقیدتی وارد عمل شده و با اشتراک مساعی طرح شوم خود یعنی ترور امام علی (ع) را اجرا کردند.

- نقش خوارج در راستای سلب مشروعیت و نفوذ سیاسی امام علی(ع) مربوط در طرح ترور آن حضرت مشارکت داشتند. اقدام خوارج در شهادت امام علی(ع) در راستای نقش انتسابی و طبیعی آنها قرار داشت. کج اندیشی دینی، واگرایی فرهنگی و خشونت طلبی که ریشه در ارتجاع و عصبیت خوارج داشت زمینه‌ساز شهادت امام علی (ع) شد.

- مواضع امام علی (ع) نسبت به خوارج براساس گزاره‌های روایی-حدیثی و مبتنی بر تفکر ناب اسلامی بود. اخبار رسول الله(ص)، آگاهی پیشین مسلمانان، همراه با جمود و قشری‌گری و روحیه خوارج و تدابیر و رهبری امام علی (ع)، از مهم‌ترین دلایل عدم توفیق خوارج در دوران حکومت آن حضرت به شمار می‌رود.

## کتاب‌نامه

ابن ابی الدنيا، ابوبکر عبدالله بن محمد، [بی تا]، مقتل الإمام أمير المؤمنين علي بن أبي طالب(ع)، بیرون: دارالبشائر الاسلامیه.

ابن اثیر جزری، علی بن حسین، (۱۳۸۵ق)، الکامل فی التاریخ، بیروت: دارصادر.

ابن اعثم کوفی، احمد بن محمد بن عبدالله، (۱۴۱۱ق)، الفتوح، بیروت: دارالاضواء.

ابن تیمیه حرانی، أحمد بن عبدالحلیم، (۱۴۰۸ق)، الفتاوی الکبری، [بی جا]: دار الکتب العلمیه.

ابن حنبل، احمد بن محمد، [بی تا]، مسند، مصر: قرطبه.

ابن سعد، محمد بن سعد بن منیع، [بی تا]، الطبقات الکبری، بیروت: دارصادر.

ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، (۱۴۰۸)، البدایه و النهایه، بیروت: داراحیاء التراث العربی.

ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت: دارصادر.

ابوحیب، سعدی، (۱۴۰۸ق)، القاموس الفقهی، چاپ دوم، دمشق: دارالفکر.

- اربلی، محمد بن محمد بن ابی فتح، (۱۴۰۵ق)، کشف الغمه، چاپ دوم، بیروت: دارالاضواء.
- بحرانی، میثم بن علی بن میثم، (۱۴۱۷ق)، شرح نهج البلاغه (مصباح السالکین)، ترجمه محمدی مقدم، محمد و نوایی، محمدرضا، مشهد: مجمع البحوث الاسلامی.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، (۱۴۰۷ق)، صحیح، تحقیق مصطفی البغا، یمامه-بیروت: دار ابن کثیر.
- بلاذری، احمد بن یحیی، (۱۴۱۷ق)، أنساب الأشراف، تحقیق سهیل زکار و ریاض الزرکلی، بیروت: دارالفکر.
- بن باز، عبدالعزیز بن عبدالله، (۱۴۱۴ق)، مجموعه فتاوی و مقالات متنوعه، جزء ۶، الرياض: دارالقاسم.
- بیهقی، ابوبکر احمد بن محمد، (۱۴۰۸ق)، دلائل النبوة، تحقیق عبد المعطی قلجعی، قاهره-بیروت: دارالریان- دارالکتب العلمیه.
- تفتازانی، سعدالدین مسعود بن عمر، (۱۴۰۱ق)، شرح المقاصد فی علم الکلام، چاپ اول، پاکستان: دار المعارف النعمانیه.
- تقی، ابراهیم بن اسماعیل، (۱۳۹۵ق)، الغارات، تصحیح جلال الدین محدث، تهران: انجمن آثار ملی.
- جعفر مرتضی عاملی، (۱۴۲۳ق)، علی (ع) و الخوارج: تاریخ و دراسته، بیروت: مرکز الاسلامی.
- خلیفه بن خیاط بن جعفر کوفی، (۱۳۹۷ق)، تاریخ، دمشق-بیروت: دارالقلم- الرساله.
- سلیمان بن داوود بن یوسف، (۱۴۰۳ق)، خوارج هم انصار علی، الجزایر: دارالبعث.
- شافعی، محمد بن ادريس، (۱۴۱۹ق)، مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول، بیروت: البلاغه.
- شریف الرضی، محمد بن حسین، (۱۳۸۸ش)، نهج البلاغه، ترجمه حسین انصاریان، قم: دارالعرفان.
- شهرستانی، محمد بن علی، (۱۳۶۴ش)، الملل والنحل، چاپ سوم، قم: الرضی.
- صلواتی، محمد، (۱۳۷۹ش)، جمود و خشونت: پژوهشی پیرامون جریان خوارج در نهج البلاغه، تهران، موسسه ذکر.
- طبری، محمد بن جریر بن یزید، (۱۴۲۲ق)، تاریخ الأمم و الملوک، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- طبری، محمد بن جریر بن رستم، (۱۴۱۵ق)، المسترشد فی إمامة علی بن أبی طالب علیه السلام، تصحیح احمد محمودی، قم: کوشانپور.
- طریحی، فخرالدین بن محمد، (۱۳۸۳)، جواهر المطالب فی فضایل علی بن ابی طالب (ع)، تحقیق مهدی هوشمند، مشهد: کتابخانه امیر المومنین علی (ع).
- ظهیری، مجید، (۱۳۷۹)، "در آمدی بر فهم دین و دولت در اندیشه علوی"، پژوهش‌های اجتماعی اسلامی (اندیشه حوزه سابق)، شماره ۲۶.
- عباسی، آزاده، (۱۳۹۹ش)، "تحلیل نشانه شناختی کنش‌های خوارج براساس نظریه یوری لوتمان با توجه به گزاره‌های نهج البلاغه"، پژوهش دینی، دوره ۱۹، شماره ۴۰، بهار و تابستان، صفحات ۶۷-۹۰.
- عسکری، مرتضی، (۱۹۹۰م)، معالم المدرستین، بیروت: موسسه النعمان.

نقش خوارج در تضعیف حکومت امام علی(ع): ... (مریم سعیدیان جزوی) ۲۷۵

عیسی زاده، ولی الله، (۱۳۸۴)، "نقش خوارج در شهادت امام علی (ع)"، رواق اندیشه، شماره ۴۷، صفحات ۱۲۴-۱۳۳.

قدامه بن جعفر بن قدامه بغدادی، (۱۴۰۱ق)، الخراج، بغداد: دارالرشید.

کنانی، عبدالحی، (۱۳۸۲)، نظام الحكومة النبوية المسمى التراتیب الإدراية، بیروت: دار الكتاب العربی.

کوفی، محمد بن سلیمان، (۱۴۲۳ق)، المناقب، قم: مجمع احیاء فرهنگ اسلامی.

گل مکانی، وجیهه، هادی وکیلی، (۱۳۹۶ش)، "پیامدهای اقتصادی جنگ‌های دوران خلافت امام علی (ع)"، شیعه شناسی، شماره ۵۷، بهار، صفحات ۷-۳۰.

گنجی شافعی، محمد بن یوسف، (۱۴۰۴ق)، کفایة الطالب فی مناقب علی بن أبی طالب، طهران: داراحیاء تراث أهل البيت (ع).

مبرد، ابوالعباس محمد بن یزید، (۱۴۱۷ق)، الكامل فی اللغة والأدب، چاپ سوم، قاهره: دارالفکر العربی.

محمود اسماعیل عبدالرازق، (۱۹۷۳م)، "جدل: حول الخوارج و قضية التحکیم"، المجلة التاريخية المصرية، المجلد العشرون، صفحات ۴۷-۶۹.

مسعودی، علی بن حسین، (۱۴۰۹ق)، مروج الذهب، قم: دارالهجره.

مطهری، مرتضی، (۱۴۰۲ش)، جاذبه و دافعه امام علی(ع)، تهران: صدرا.

مظفر، محمدحسن، (۱۴۲۲-۱۴۳۰ق)، دلائل الصدق لنهج الحق، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث.

مغنیه، محمد جواد، و علی بن أبی طالب (ع)، (۱۳۵۸ش)، فی ظلال نهج البلاغة، بیروت: دار العلم للملایین.

بازیابی شده در ۱۱ اوت ۲۰۲۵، از: <https://noorlib.ir/book/info/3488>

مفید، محمد بن محمد بن نعمان، (۱۴۱۳ق)، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم: کنگره شیخ مفید.

مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۶ش)، پیام امام امیرالمؤمنین (ع)، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

منقری، نصرین مزاحم بن سیار، (۱۴۱۳ق)، وقعه صفین، تحقیق عبد السلام محمد، چاپ دوم، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.

هیثمی، نور الدین علی بن ابی بکر، (۱۴۰۸ق)، مجمع الزوائد، بیروت: دارالکتب العلمیه.

یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، (۱۳۷۹ق)، تاریخ، بیروت: دارصادر.

Abu Yahya, A (2011), The Religious Insurgency of the Khawarij, Jeddah, Saudi Arabia: Salafi Publications.

Böwering, G., Crone, P., & Mirza, M. (Eds.). (2013). The Princeton encyclopedia of Islamic political thought. Princeton, NJ: Princeton University Press. Retrieved from <https://archive.org/details/princetonencyclo0000unse>

- Crone, P. (2004). *God's rule: Government and Islam*. New York: Columbia University Press. Retrieved from <https://archive.org/details/godsrulegovernme0000cron>
- Donner, F. M. (1998). *Narratives of Islamic origins: The beginnings of Islamic historical writing*. Princeton, NJ: Darwin Press. (Studies in Late Antiquity and Early Islam, Vol. 14). Retrieved from <https://archive.org/details/NarrativesOfIslamicOriginsTheBeginningsOfIslamicHistoricalWriting>.
- Donner, F. M. (1999), "Muhammad and the Caliphate", In Esposito, John L. (ed.), *The Oxford history of Islam*.
- Durant, J.W. (1950). *The Age of Faith*. New York: Simon and Schuster. Retrieved from <https://archive.org/details/dli.ernet.25058>
- Gleave, R. M. (2008). Ali ibn Abi Talib. In K. Fleet, G. Krämer, D. Matringe, J. Nawas, & E. Rowson (Eds.), *Encyclopaedia of Islam* (3rd ed.). Brill. [https://referenceworks.brillonline.com/entries/encyclopaedia-of-islam-3/ali-ibn-abi-talib-COM\\_26324](https://referenceworks.brillonline.com/entries/encyclopaedia-of-islam-3/ali-ibn-abi-talib-COM_26324).
- Hinds, M. (1971), Kufan political alignments and their background in the mid-seventh century A.D, *International Journal of Middle East Studies*, 2 (4), 346–367. <https://doi.org/10.1017/S0020743800001306>
- Hoffman, V. J., (2012), "The Essentials of Ibadi Islam (Modern Intellectual and Political History of the Middle East), Part of: *Modern Intellectual and Political History of the Middle East*", New York: Syracuse University Press.
- Kenney, J. T. (2006). *Muslim rebels: Kharijites and the politics of extremism in Egypt*. Oxford; New York: Oxford University Press. Retrieved from <https://archive.org/details/muslimrebelskhar0000kenn>
- Madelung, W. (1997), *The Succession to Muhammad: A Study of the Early Caliphate*. Cambridge University Press.
- Saleh .S., (2018). Khawarij; Sejarah dan Perkembangannya. El-Afkar, Institut Agama Islam Negeri Bengkulu, No2, Vol 7. <https://doi.org/10.29300/JPKTH.V7I2.1597>.
- Setiyawan, M. F., Sumardi, S., & Swatika, K. (2020, February). The emergence of Shia, Khawarij and Sunni groups in Islam at the time of the caliphate of Sayyidina Ali bin Abi Talib (35–41 H / 656–661 AD) in the Arabian Peninsula. *Jurnal Historica*, 4(1), 87–96. <https://historica.jurnal.unej.ac.id/index.php/JHIS/article/view/10712>
- Vaglieri, L. V., (1960). Kharijites. In H. A. R. Gibb et al. (Eds.), *The Encyclopaedia of Islam*, Leiden: Brill, Vol. 4, pp. 1071–1077.
- Watt, W. M. (1956). *Muhammad at Medina*. Oxford: Clarendon Press. Retrieved from <https://archive.org/details/muhammadatmedina029655mbp>